

بوم خبر

فراخوان طراحی تندیس مفاخر و مشاهیر ایران منتشر شد



فراخوان طراحی تندیس مفاخر و مشاهیر ایران از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران منتشر شد. این سازمان در راستای اهداف و مأموریت‌های فرهنگی خود در زمینه ارتقای فرهنگی و هویت شهر تهران در نظر دارد تندیس تعدادی از مفاخر فرهنگی کشور را در مکان‌هایی که به نام آنها مزین شده است، طراحی و اجرا کند.

به همین دلیل از هنرمندان دعوت شده با ارائه طرح پیشنهادی خود به صورت ماکت و بادر نظر گرفتن شرایط اعلام شده در این فراخوان مشارکت کنند. طرح‌ها و تندیس‌ها شامل تندیس مولوی، سعدی، حافظ، خیام، میرداماد، قائم مقام فراهانی، ربیع علی دلواری و استاد شهریار است که شرایط ساخت تندیس‌ها و محل دقیق نصب آنها به صورت جامع و کامل در فراخوان آمده است.

لازم به ذکر است که پایان مهلت ارائه طرح تندیس رییسعلی دلواری حداکثر بدون تمدید تا تاریخ ۲۵ دی ماه سال جاری است.

تاریخ ۲۵ دی ماه سال جاری است. گفتمنی است، طراحی و خلق اثر پیشنهادی باید بر مبنای زندگی‌نامه و نمادهای شخصیتی، محیطی و دوره زندگی هر یک از این شخصیت‌ها انجام شود و طراحی پایه آثار متناسب با فرم تندیس و محل نصب ضروری و در انتخاب طرح مورد توجه قرار خواهد گرفت. داوری و انتخاب آثار بر اساس نگاه هنرمندانه، خلاق هنرمند و طراحی و اجرای حرفه‌ای، توسط شورای تخصصی آثار حجمی سازمان زیباسازی انجام می‌شود. هنرمندان می‌توانند با مراجعه به مرکز فعالیت‌های مجسمه‌سازی تهران، واقع در عمارت عین الدوله و تحویل موارد مورد نیاز در این فراخوان شرکت کنند. مهلت ثبت نام تا تاریخ هفتم اسفندماه سال جاری (به استثنای تندیس رییسعلی دلواری) است.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر از نحوه برگزاری این رویداد می‌توانند با تلفن ۲۷-۲۲۹۶۹۷۴۴ تماس بگیرند.

نمایشگاه عکس «آن یک لحظه» در خانه هنر ۱۴



نمایشگاه گروهی «آن یک لحظه» به کوشش حمید مهدوی ۱۳ دی‌ماه ۹۸ در خانه هنر ۱۴ افتتاح می‌شود.

در بیانیه این نمایشگاه عنوان شده است: «آنچه مسلم است هر یک از آدم‌ها دارای سرنوشتی خاص خویش اند. لحظه‌هایی از زندگی، زندگی اگر جریانی مداوم باشد، این جریان از تمامی انسان‌ها ساخته شده و هر یک با حضوری هر چند کوتاه، بر ساخت آن تاثیر گذارند. و این حضور کوتاه سرشار از ماجراها و حوادث و تلخی و شادی است. هر شخص قصه‌هایی در دل خود دارد. که هیچ‌به‌دیگری شبیه نیست. عکاس با ثبت تصویر او را معرفی می‌کند. و حال آنکه با بیان بخشی از سرنوشت او، ما را به او نزدیک‌تر و آشنای‌تر می‌کند. او دیگر یک عکس نیست، انسانی است که ما را به درون زندگی خود دعوت کرده. تلاش ما در این نمایشگاه، رویارویی مخاطب با انسان‌هایی است که نه‌معروف‌اند و نه خاص، بلکه قصه‌ای خاص خویش دارند. بیان بخشی از این قصه‌ها، آنها را آشنا و نزدیک‌تر می‌کند. گویی اکنون دیگر تنها یک عکس نیست، بلکه بخشی از زندگی است که ما با «آن یک لحظه» روبرویم.»

علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از این نمایشگاه به آدرس خیابان انقلاب، خیابان خارک، شماره ۱۴ مراجعه کنند.

نگاهی به مجموعه «کرنش به حافظ» از گونتر اوکر

نوازش اشعار حافظ با سرانگشتان هنرمند



کتابی. اوکر در خلق این مجموعه از هیچ وسیله‌ای بجز انگشتانش استفاده نکرده و به گفته خودش این آثار را با نوازش اشعار حافظ خلق کرده است. آثاری که چشم‌اندازهایی بدیع و چندسویه از ریشه‌های مشترک فرهنگ و تمدن ایرانی تا تمدن و فلسفه غربی را نشان می‌دهد. در اغلب تابلوهای این مجموعه، یک غزل کامل از حافظ با زبان فارسی و یک بیت از غزل به زبان آلمانی دیده می‌شود. در این روند از شیوه چاپ دستی سیلک اسکرین و از مواد طبیعی چون ماسه، میخ و پنبه هم بهره گرفته شده است.

شناخت حافظ موجب شناخت من از خودم شد

گونتر اوکر در ساره تجربه‌ای که به دنبال تأمل بر آثار حافظ از سر گذرانده می‌گوید: «به کشوری سفر کرده‌ام که از نظر فرهنگی برایم اهمیت بسیاری دارد. من در قلب کشوری به دنیا آمدم که در دوره زندگی ام، دنیا و هر آنچه که در آن بود، به خصوص هنر از بین رفته بود. آن زمان احساس کردم که باید افکار خود را تغییر بدهم و به اجبار باید به سمت شعر بروم. چرا که معتقدم شعر باعث آزاد شدن روح انسان می‌شود و با این آزادی حرکتی در وجود انسان ظاهر می‌شود که چیزی جز رهایی و سبکی برای او ندارد. حافظ چنین نقشی در زندگی من ایفا کرد. کسانی که در آلمان هستند به خصوص اهل ادبیات، حافظ را می‌شناسند و طبق تحقیقاتی که داشتم می‌دیدم که حقیقتاً اشعار حافظ باعث شد تا تمدن آلمان پیشرفت کند. این چیزی است که همگی ما به آن باور داریم: در واقع اگر گوته در ۶۵ سالگی به حافظ علاقه‌مند شد، من از جوانی شیفته او شدم و اشعار این شاعر بزرگ به نحوی در روح و روان من رخنه کرده است که زمانی که در حال

اوکر در خلق مجموعه «کرنش به حافظ» از هیچ وسیله‌ای بجز انگشتانش استفاده نکرده و به گفته خودش این آثار را با نوازش اشعار حافظ خلق کرده است. آثاری که چشم‌اندازهایی بدیع و چندسویه از ریشه‌های مشترک فرهنگ ایرانی و فلسفه غربی را نشان می‌دهد

کشور، این روزها در دانشکده هنر و معماری خلیج فارس در بوشهر به نمایش گذاشته است. گونتر اوکر، هنرمند ۹۲ ساله آلمانی از هنرمندان گروه هنری «صفر» (زیرو) است که جریانی پیشرو پس از جنگ جهانی دوم در آلمان بود. اوکر در تجربه‌های مکاشفه‌آمیز خود راه هنر را از نقاشی سنتی به سوی هنری رهنمون ساخت که از مواد، رسانه‌ها و تکنیک‌های نو بهره می‌جست. پیش از این و در پاییز سال ۱۳۹۱ اوکر نمایشگاهی با عنوان «زخم‌ها و پیوندها» را در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار کرده بود که آثار آن نمایشگاه نیز به شدت تحت تأثیر فرهنگ ایرانی شکل گرفته بود.

روز به صدر

«من برای حافظ، شاعر بزرگ ایرانی، ارزش زیادی قائل هستم. برای آزادی شاعرانه‌اش و برای نزدیکی عمیقش به احساسات انسانی و برای شور و اشتیاق و رنجی که در آفرینش هستی می‌بیند و این‌ها را در آثار خودش نشان می‌دهد. اشعار حافظ چیزی است مابین آنچه که قابل گویش است و چیزی که قابل گویش نیست و این انگیزه را به من داد که آثار او را با رنگ‌هایی که به کار بردم همراهی کنم؛ با آوازی پر از رایحه‌های بهشت در دشتی به فراخی اشتیاق که بر فراز آن باد شرقی می‌وزد. همه این‌ها این انگیزه را به من داد که نوشته‌های این شاعر را از بین کنم و تاجی بر سر آن بکنم.»

این هاسنخان «گونتر اوکر» هنرمند شناخته شده آلمانی است که در یک تور نمایشگاهی، مجموعه‌ای از آثارش را با عنوان «کرنش به حافظ» پس از نمایش در ۱۵ موزه اروپا و به دنبال آن در تهران و چند شهر دیگر

چشم‌اندازهایی بدیع و چندسویه

اما مجموعه «کرنش به حافظ» که بر پایه ۴۲ غزل از حافظ شکل گرفته از چه می‌گوید؟ هنرمند خود در این باره می‌نویسد: «دست‌ها، کار ابزار نقاش، کلام نوک زبان، خواننده، بر زبان آمده طنین خودش را می‌یابد،

به جنبش درمی‌آید، اندیشه‌ها بال در می‌آورند، آنان در خلسه نقاشی، رنگارنگ می‌شوند، بدل می‌شوند به نمادها و نشانه‌ها، چاپ شده بر کاغذ. زورق هانقاشی می‌شوند، بر آن‌ها پر تو می‌اندازند، با کارد رنگ را درون شبکه‌ای فشرده می‌ریزند، رنگ روی رنگ، بر آن‌ها سطرهای نوشته با دست نتیجه این برگ‌ها، روایت شده در

مُورب» در قالب چاپ دیجیتال روی کاغذ، «شرح سفید» و «شرح سیاه» هر یک در ۹ قطعه کاغذ و مرکب در این نمایشگاه بروز یافته است. هنرمند ایده خود را در شکل دادن به این مجموعه چنین توضیح می‌دهد: «عمادالکتاب خوشنویس پس از همکاری با کمیته مجازات در سال ۱۲۹۱ شمسی به دام افتاد و پس از مدتی حبس تا زمان رضا شاه تحت مراقبت بود. برخی از نوشته‌های زندان او که به سیاه مشق‌های زندان معروف‌اند، از مناظر متعددی برای من قابل توجه‌اند.

بداهه‌نویسی و مشق زدن توأمان: شکوه دعا، ذکر و هذیان در نوشتاری بسیار پراکنده، جملاتی که میان‌شان نقطه نگذاشته و از خطی به خط دیگر نرفته است. کلمه‌ها، پاره کلمه‌ها و حروف تکرار شونده در میان جمله‌ها گفتار او را دچار ایست‌های متعددی می‌کند که مانند عارضه‌ای بر کلام او حادث می‌شود. نام این عارضه را «لکنت» می‌گذارم و مانند یک تمرین سعی می‌کنم از روی بعضی از نوشته‌های



یادداشت

نمایشگاه نوید سلاجقه در گالری آران

گذر از نور به بی‌نوری

نادر کمالوند

«منطقه بی‌نور» عنوان مجموعه‌ای از نوید سلاجقه است که در گالری پرژوه‌های آران به نمایش در آمده است. این نمایشگاه یک چیدمان است که از سه اتاق به نام‌های «منطقه بی‌نور»، «وضعیت لکنت» و «اتاق سفید» تشکیل شده است. عناصر هر یک از این اتاق‌ها نام خود را دارند و با افزونه‌هایی در رابطه‌اند که در صفحه‌هایی جداگانه در ورودی هر اتاق بر دیوار نصب شده‌اند.

«منطقه بی‌نور» بخشی دیگر از این مجموعه است که در قالب چیدمان نور، صفحات طلق و پارچه و آهن شکل گرفته است. هنرمند در توضیح این چیدمان می‌نویسد: «جایی که نور به آن نمی‌رسد یا تقریباً دیگر به آن نمی‌رسد. همین امر که نور تقریباً به آن نمی‌رسد، به این معنی است که هنوز نور کمی به آن می‌رسد، فقط دیگر کافی نیست و گرنه بی هیچ نوری نه دیدن در کار است و نه بازنمایی. تجربه‌ی حسی بی‌نوری تنها در گذر از نور به بی‌نوری ممکن است. هر تصویری نور دارد. بی‌نوری را تنها به مثابه کم شدن تدریجی نور می‌توان به ادراک در آورد. بی‌نوری یک طیف است. نقطه بی‌نور نداریم. منطقه بی‌نور داریم. نمی‌توانیم مفهومی مطلق از بی‌نوری را در نظر بگیریم و آن هنگامی که نور به تمامی از تصویر سلب شده است بازنمایی کنیم.» «توفان سر می‌رسد، بادبان‌ها را پایین بکشید» عنوان اثری دیگر در این مجموعه است که در قالب مواد ترکیبی

روی بوم شکل گرفته و ارجاعی به تاریخ هنر و اثری از «ویلیام ترنر» یکی از نقاشان شاخص قرن نوزدهم میلادی بریتانیا دارد.

نوید سلاجقه در این اثر به طور مشخص به نقاشی «کشتی بردگان» ویلیام ترنر ارجاع می‌دهد و در توصیف آن می‌نویسد: «ترنر در سال ۱۸۴۰ در جمع مخالفان برده‌داری و در حضور شاهزاده از نقاشی خود به نام «کشتی بردگان» پرده برداشت؛ اثری که با الهام از کتاب کلار کسون درباره تاریخ تجارت بردگان آفریقا که در سال ۱۸۰۸ انتشار یافته بود، به سبک و سیاق خود نقاشی کرد. این تابلو یک بازنمایی نقاشانه از واقعه‌ای تاریخی مربوط به سال ۱۷۸۱ است که در آن خدمه یک کشتی حامل برده پیش از رسیدن به مقصد خود ۱۳۳ برده را از بیم کمبود آب و ناتوانی در دریافت هزینه‌ای از بیمه به دریا افکندند. بازنمایی سیاسی ترنر از این واقعه به شدنی نیاز دارد که بار دیگر او را سراغ غروب آفتاب می‌فرستد. مرغ‌های دریایی را بر فراز آسمان پرواز می‌دهد و ماهیان و جانوران دریایی را به سطح آب می‌آورد که برده‌های مغروق را بلعند. بادبان‌های پایین کشیده، ابرها، دود و امواج پریشان از سر رسیدن توفان خبر می‌دهند. در این رونمایی، او شعری که خودش در ۱۸۱۲ نوشته را نیز کنار اثرش گذاشته که بار دیگر سر رسیدن توفان را گوشزد می‌کند.»

«وضعیت لکنت» بخشی دیگر از چیدمان نوید سلاجقه است که در قالب سه ارائه تصویری با عنوان‌های «لکنت